

ویژگی‌های نظام مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا در نظام تعارض قوانین و گزینش قانون حاکم

سید محمد طباطبائی نژاد*

(تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۸ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۶)

چکیده

مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا در گذر زمان، جایگاه خود را در نظام مسئولیت مدنی یافته است. تجارت بین‌الملل و آزادی عبور کالاها، خدمات و انسان‌ها باعث شده تا اشخاص در نظام‌های مختلف حقوقی در زنجیره تولید و مصرف کالا و خدمات قرار گیرند. این امر احتمال تعارض قوانین در دعوی مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید را افزایش داده است. تفاوت در سطح توسعه اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلفی که در این زنجیره قرار دارند، موجب تفاوت بنیادین در قواعد مسئولیت مدنی در این حوزه گردیده است و این امر اهمیت مسئله قانون حاکم را افزایش می‌دهد. در نظام حقوقی ایران هنوز رویکرد مشخصی در این رابطه وجود ندارد. هدف مقاله آن است تا با رویکردی تحلیلی و تطبیقی به تبیین قواعد و اصول حاکم بر حل تعارض قوانین در این حوزه بپردازد. در خاتمه این مقاله به این نتیجه می‌رسد که با توجه به گسترش طرح سؤال مربوط به تعیین قانون حاکم در این دعاوی، لازم است تا قاعده ویژه‌ای برای حل تعارض در این حوزه انتخاب گردد که به قاضی امکان گزینش قانون مناسب حسب اوضاع و احوال حاکم بر دعوی را بدهد.

واژگان کلیدی: قانون حاکم، تعارض قوانین، حقوق مصرف‌کننده، مسئولیت مدنی،

عیب تولید

مقدمه

گسترش ارتباطات بین‌المللی باعث شده تا موقعیت‌های طرح دعاوی مسئولیت مدنی در عرصه فرامرزی افزایش یابد. این امر موجب اهمیت طرح مباحث بین‌الملل خصوصی در نظام مسئولیت مدنی، به عنوان یک دسته ارتباط مستقل، گردیده است. با این حال دامنه نظام مسئولیت مدنی آنقدر گسترده و اقتضائات آن در اقسام مختلف به قدری پیچیده بوده که تغییر رویکرد و انحراف از اصول کلی در رابطه با برخی مصادیق قابل مشاهده است. مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید نیز از جمله بخش‌هایی از نظام مسئولیت مدنی است که به واسطه ویژگی‌های خاص آن بایستی تحت قواعد خاصی قرار گیرد (قاسمی حامد، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹). این تمایز در درجه اول ناشی از سطح گسترده فضای ایجاد اختلاف در رابطه با روابط ناشی از قراردادهای مصرف است. تجارت بین‌الملل ابزاری اساسی برای مبادله کالا و خدمات در سطحی بین‌المللی و در گستره‌ای بدون مرزهای جغرافیایی مشخص است. خریدار کالایی که نام کشوری خاص بر روی آن به عنوان کشور مبدأ درج شده می‌تواند این انتظار را داشته باشد که محصول مورد خریداری وی در کشوری دیگر طراحی، ساخت یا مونتاژ شده باشد (Dutson, 1999, 129). علاوه بر این یک محصول داخلی نیز ممکن است از اجزائی تشکیل شده باشد که هر یک در نقطه‌ای از دنیا تولید شده‌اند. بر این اساس زنجیره تولید، عرضه و مصرف کالا می‌تواند در کشورهای مختلفی با نظام‌های حقوقی متفاوتی امتداد یافته باشد. این امر موجب ایجاد تعارض در میان قوانین نظام‌های حقوقی مختلف به هنگام طرح دعوی خواهد شد. علاوه بر این رویکرد حمایت از حقوق مصرف‌کننده نیز به عنوان بخشی از مقصد حاکمیت در ایجاد تعادل و اتخاذ رویکرد مبتنی بر عدالت توزیعی در رابطه میان تولیدکننده یا فروشنده با خریدار بر پیچیدگی تحلیل رابطه حقوقی براساس مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید افزوده است (قاسمی حامد و خالدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰).

در آمریکا اعلامیه‌های تعارض قوانین (Restatement of the Law) که ماهیتی ارشادی دارند و رویه قضایی راهنمای مناسبی برای درک قواعد تعیین قانون حاکم در مسئولیت مدنی است، در اتحادیه اروپا نیز، با تصویب آیین‌نامه رم دو^۱ سعی در یکسان‌سازی قواعد تعارض قوانین در حوزه مسئولیت مدنی گردید. در نظام حقوقی ایران گرچه قاعده مشخص قانونی در این رابطه وجود ندارد اما این امکان برای قضات فراهم است تا با استفاده از نظریه پردازی علماء حقوق،

1. Regulation (EC) No 864/2007 OF The European Parliament and of the Council of 11 July 2007 on the law applicable to non-contractual obligations (Rome II)

اتکاء بر اصول کلی تعارض قوانین و وحدت ملاک از سایر قواعد و نیز با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های نظام مسئولیت مدنی، قاعده‌ای را در این راستا تثبیت نماید. بر این اساس لازم است تا در ابتدا اقتضانات و ویژگی‌های کلی نظام مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید مورد تبیین قرار گرفته و سپس بر اساس آن به امکان سنجی وضع قاعده‌ای مشابه در نظام حقوقی ایران با توجه به رویکردهایی که در نظام حقوقی آمریکا و اتحادیه اروپا اتخاذ شده، پردازیم. لذا در مبحث اول این مقاله اصول حاکم بر نظام حقوق مصرف کننده که به عنوان مبنایی در تعیین قانون حاکم بایستی مدنظر قرار گیرند مورد اشاره قرار می‌گیرد و در مبحث دوم با تحلیل رویکردهایی که در تعیین قانون حاکم اتخاذ شده است به تحلیل موضوع در نظام حقوقی آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران خواهیم پرداخت.

مبحث اول- ویژگی‌های نظام مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید در نظام تعارض قوانین

جهانی‌سازی و رویکرد ترانزیتی جدید موجب ایجاد یک روند رو به رشد از جریان آزاد کالاها به صورت فرامرزی گردیده، بطوری که بی‌گمان پس از تصادمات رانندگی بیشترین حجم دعاوی مسئولیت مدنی که در عرصه بین‌المللی پدید می‌آید، مربوط به دعاوی مسئولیت ناشی از عیب تولید است (Theal, 2001: 110-1). ضمن اینکه گاه دعاوی ناشی از وسائل حمل و نقل نیز در قالب دعوی ناشی از عیب تولید اقامه می‌شود (صادقی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶). با توجه به شرایط خاص و سخت اثبات، دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی در این عرصه کمتر به صورت بین‌المللی مطرح می‌شود، لیکن رویه‌های جدید در تسهیل طرح این دعاوی، موجب بروز حجم زیادی از این دعاوی گردیده است. گرچه رویکرد یکنواخت و فراگیری از مفهوم عیب کالا^۱ و نیز گستره و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از آن وجود ندارد، لیکن این قسم از مسئولیت به صورت کلی مورد پذیرش نظام‌های حقوقی مورد مطالعه این مقاله است. با این حال به هنگامی که مسئله در نظام تعارض قوانین مطرح می‌شود این تفاوت‌ها، ابهاماتی را

۱. بر اساس بند ۴ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف کننده ایران مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۱۵: "منظور از عیب در این قانون زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد." قسمت ب ماده ۲ اعلامیه سوم مسئولیت مدنی آمریکا نیز کالای معیوب را این طور توصیف می‌کند: کالا موقعی معیوب است که در زمان فروش یا توزیع یک عیب تولید را داشته باشد و یا طراحی آن معیوب باشد و یا بواسطه نقص اطلاعات و اختلالات معیوب تلقی شود. سایر قوانین راجع به مسئولیت ناشی از عیب تولید، تعاریف مشابهی را ارائه داده‌اند.

در عملکرد نظام تعارض قوانین ایجاد می‌نماید. بر این اساس در ادامه به بررسی تفاوت‌ها و ابهامات از جهتی که با مسئله تعارض قوانین ارتباط پیدا می‌کند می‌پردازیم.

بند اول-ابهام در توصیف و کارکرد نظام مسئولیت مدنی، توصیف مسئولیت مدنی ناشی از کالای معیوب

اولین ابهام در رابطه با تعیین قانون حاکم در رابطه با دعوی مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید توصیف این مسئولیت در قالب قرارداد یا مسئولیت مدنی است (بزرگمهر، ۱۳۸۵، ص ۳۸). پراسر (Prosser) مسئولیت ناشی از عیب تولید را به عنوان مرز میان مسئولیت مدنی و قراردادی تلقی کرده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۳۴ و Pribetic, 2006: p.3). در بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان، مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا را فراتر از رابطه قراردادی توصیف کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۶۳۸). به طوری که هیچ تفاوتی میان مصرف‌کننده‌ای که قرارداد دارد و سایر مصرف‌کنندگان که ارتباط مستقیم قراردادی با تولیدکننده ندارند، وجود نداشته باشد (Pribetic, 2006: 10 & Tebbens, 1979: 166 & Collins, 1996: 352). هر یک از طرفین دعوی ممکن است بر اساس عناصر ماهوی دعوی و یا شرایط شکلی باور به توصیف دیگری داشته باشند؛ به عنوان نمونه در انگلیس در اغلب دعاوی ناشی از عیب تولید خودروهایی وارداتی، خواهان‌ها به دلایل عملی به دنبال این هستند تا دعوی خود را منطبق بر تعهد غیر قراردادی واردکننده اقامه نمایند (Machin north, 1993, p.72). اگر رویکرد حمایتی از مصرف‌کننده را مدنظر قرار دهیم دادن این اختیار که دعوی خود را در همان قالبی که می‌پسندد طرح نماید، مناسب‌ترین راه است. بر این اساس تعیین قانون توسط دادگاه مبتنی بر توصیف اولیه‌ای که خواهان از دعوی خود می‌کند، اما این اختیار نمی‌تواند مطلق باشد. حمایت از مصرف‌کننده، وقتی می‌تواند مبنای این اختیار قرار گیرد که زیان‌دیده واقعا مصرف‌کننده باشد، و صرف وجود یک قرارداد قبلی این ماهیت را به زیان‌دیده نمی‌دهد. از این رو یک تفاوت میان قراردادهای تجاری و قراردادهای مصرف وجود دارد. (Tebbens, 1979, p.166). هنگامی که قرارداد در چارچوب روابط تجاری طرفین معامله منعقد شود، برابری طرفین، هر گونه مداخله حمایتی قواعد عمومی را نا موجه می‌سازد، و قرارداد می‌تواند به بهترین وجه بیانگر تعاملات طرفین باشد. از سوی دیگر نمی‌توان قرارداد معتبری را که میان طرفین منعقد شده را نادیده گرفت، زیرا در موقعی که روابط خاصی میان طرفین وجود دارد، این رابطه، پیشینی امر را معقول

و متعارف می‌سازد تا مسئولیت و جبران خسارت تحت استانداردهای یک سیستم حقوقی خاص باشد و این استانداردها بایستی بر دعوی میان آن دو در رابطه با مسئولیت مدنی حکومت کند (Pribetic, 2006, p.27)

بند دوم- تعارض رویکردها در مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید و انتخاب قانون حاکم

نظام مسئولیت مدنی در کشورهای مختلف با رویکرد و اهداف واحدی همراه نیست و این مسئله موضوع تعیین قانون حاکم را با ابهام مواجه می‌کند (Simmonds, 1978, p.5). اگر بخواهیم یک رویکرد حمایتی برای مصرف کننده داشته باشیم، همان گونه که در قوانین ماهوی نیز این رویکرد وجود دارد، گروهی باورند دارند واقعیت‌های موجود، ما را به سمت اعمال قانون کشور تولید کننده سوق می‌دهد. دلیل این امر توسعه‌یافتگی کشورهایی است که اغلب تولید کنندگان در آن مستقر هستند. این امر موجب می‌شود تا قوانین حمایتی مناسب‌تر و مطلوب‌تری به نسبت قانون اقامتگاه مصرف کننده برای وی وجود داشته باشد (Weintraub, 2000, p.682). گروهی دیگر با ارزیابی برخی از دعاوی مطروحه اعتقاد دارند اغلب فروشندگان و تولید کنندگان ترجیح می‌دهند قانون محل تولید بر دعوی حاکم باشد و در طرف دیگر و کلاً، خواهان‌ها به دنبال اعمال قانون مقر دادگاه هستند. (O'hara, 2002, p.18). در مقابل اگر بخواهیم انتظارات عوامل تولید را مورد توجه قرار دهیم، قانون محل انعقاد قرارداد فروش باید حاکم باشد تا فروشنده بتواند به نحو مناسب‌تری هزینه‌های مترتبه را بر خریداران بار کند، زیرا محصول ممکن است هر جایی برود. (O'hara, 1999, p.632). این دسته با تکیه بر اصول اقتصادی و بازار اعتقاد دارند، حتی در صورتی که قانونی غیر از قانون کشور مبدأ (country of origin) یعنی کشور تولید کالا، حاکم شود، بایستی قواعدی از آن که مانع حرکت آزاد کالا است کنار گذاشته شود (Cafaggi, 2006, p.121). در واقع اگر بخواهیم حمایت از مصرف کننده را در این موارد مورد توجه قرار دهیم، نباید دید کلی ما از قواعد بازار و انتظارات تولید کننده و عناصر دیگر بازار را به صورت کامل تحت تأثیر قرار دهد. وظیفه یک قاعده خوب این است تا میان رویکردهای متفاوت تعادل ایجاد نماید، و نگذارد حمایت‌های افراطی مجموعه کلی نظام مسئولیت مدنی را تخریب کند.

بند سوم- تعدد عوامل ارتباط در مسئولیت ناشی از عیب تولید

دسته دیگر پیچیدگی‌های دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید در نظام تعارض قوانین مربوط به واقعیت‌ها و عناصر موضوعی این گونه از دعاوی مانند تعدد عوامل ارتباط، تنوع

کالاهای تولیدی و وجود عناصر موضوعی و اشخاص متعدد طرف دعوی^۱ در این گونه از دعاوی می‌شود. گستردگی دامنه عناصر مسئولیت ناشی از عیب تولید را بایستی به این پیچیدگی‌ها افزود. تقصیر در مسئولیت ناشی از عیب تولید سه زمینه کلی تقصیر در طراحی، تولید، دادن اطلاعات^۲ و آگاهی کامل را پوشش می‌دهد.^۳ از سوی دیگر تولیدکننده و عامل زیان گروه‌های متفاوتی را شامل می‌شود مانند، طراح، تولیدکننده اجزاء و قطعات، شرکتی که کالا را به نام خود در بازار عرضه می‌نماید، صادرکننده و گروه‌های دیگری که در زنجیره تولید یا توزیع کالا نقش دارند. بر این اساس بر فرض که قانون محل تولید به عنوان قانون حاکم شناخته شود این سؤال پیش می‌آید آیا محل تولید کالا جایی است که اجزاء کالا تولید می‌شود و یا جایی است که این اجزاء به محصول نهایی می‌پیوندند، محل کارخانه است و یا مقر اصلی شرکت تولیدکننده، محل طراحی است و یا محل تولید (Simmonds, 1978, p.4). در رابطه با محل وقوع خسارت نیز این ابهام مطرح می‌گردد. یک نظر محل وقوع عامل زیانبار را جایی می‌داند که کالا تولید شده است، در مقابل، گروه دیگر معتقدند که این مکان، محلی است که بواسطه عیب تولید، به خریدار خسارت وارد می‌آید (Wood, 2007, p.11-011). با این تفسیر اعمال معیار محل وقوع خسارت با توجه به قابلیت حمل آزادانه کالاها، از یک سو این ابهام را به وجود می‌آورد که خسارت ممکن است در جایی پدید آید که هیچ ارتباطی با تولید و عرضه کالا نداشته باشد و هیچ کس نتواند قانون حاکم را پیش‌بینی نماید.^۴ از سوی دیگر تولیدکنندگان و شرکت‌های بیمه ملزم می‌گردند تا قوانین کشورهای مختلفی را مد نظر خود قرار دهند (O'Hara, 1999, p.634).

۱. ماده ۳ کنوانسیون لاهه در خصوص قانون حاکم در مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا اشاره دارد. این کنوانسیون نسبت به مسئولیت اشخاص ذیل قابل اعمال خواهد بود:

الف) تولیدکننده کالای نهایی و یا اجزاء آن؛ ب) تولیدکننده یک محصول طبیعی؛ ج) تامین‌کننده کالا؛ د) سایر اشخاص، از جمله تعمیرکار و انباردار، در زنجیره تولید و توزیع کالا؛ این کنوانسیون همچنین به مسئولیت نمایندگان و کارگران اشخاص فوق‌الذکر قابل اعمال می‌باشد.

۲. رک: فتاح زاده، زهرا و امینی، علیرضا (۱۳۹۱) قلمرو ضمان تولیدکننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع‌رسانی در نحوه صحیح مصرف مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۴، شماره ۶، صص ۱۲۹ تا ۱۵۶

۳. ماده ۴۰۲ "اعلامیه دوم مسئولیت مدنی"، اصولی را که از طریق رویه‌ها و عرف قضایی از دهه ۱۹۶۰ میلادی ایجاد شده است در اعلامیه سوم مسئولیت مدنی تدوین کرده است. بر اساس رویه‌های قضایی مزبور، "اعلامیه سوم مسئولیت مدنی: مسئولیت کالاهای تولیدی" سه نوع از عیوب کالاهای تولیدی زیر را مورد شناسایی قرار داده است: عیب‌های تولید، عیب‌های طراحی، عیب‌های اطلاع‌رسانی.

۴. برای مطالعه بیشتر این مسئله رک: گزارش مجلس اعیان در رابطه با آیین نامه رم دو

House of lords European union committee (2004) 8th report of session 2003-4, London, stationary office limited

مبحث دوم- حقوق عمومی در نظام مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید بند اول- اصل حمایت از مصرف کننده

انعطاف پذیری مفهوم عدالت در جامعه صنعتی ارزش‌ها و هدف‌هایی به وجود آورده است که با ابزارهای کهن تحقق نمی‌پذیرد و نیاز به تحول اساسی دارد. در سال‌های اخیر حقوق معاصر در اکثر کشورها به خصوص کشورهای پیشرفته صنعتی شاهد رشد مداخله‌گرایانه دولت‌ها در روابط اجتماعی-مالی اشخاص حقیقی و حقوقی، و در نتیجه وضع قوانین حمایتی آمره از اقشار ضعیف جامعه بالاخص مصرف کنندگان است (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۴) امروزه دولت‌ها در راستای کنترل و حمایت از روابط اقتصادی جامعه نه تنها به وضع قوانین و مقررات معین در اعمال مجازات شدید برای بزه‌هایی از قبیل کلاهبرداری، تدلیس، و تقلب در معاملات تجاری مبادرت می‌کنند، بلکه با وضع قوانین آمره و انتظامی از مصرف کنندگان به عنوان طرف‌های ضعیف قرارداد، در برابر معاملات غیرعادلانه، تجارت کالاهای معیوب و خطرناک و تحمیل یک جانبه شرایط قرارداد حمایت می‌کنند.^۱ (زندى، ۱۳۹۱، ص ۴۱) این امر منجر به ایجاد و تثبیت نهضت حمایت از مصرف کننده در زمینه "مسئولیت ناشی از عیب تولید" گردیده (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۳۰). خصوصیت قواعد حقوق مصرف کننده ویژگی حمایتی و آمرانه آنها است (Hesselink, 2006, p.5). قانون "حمایت از حقوق مصرف کنندگان" نیز با همین رویکرد در سال ۱۳۸۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. این قانون در فصل دوم به تشریح تعهدات عرضه کنندگان کالا و خدمات در مقابل مصرف کنندگان پرداخته و در فصل پنجم به ضمانت اجرای نقض این تعهدات اشاره دارد. این مداخله قانون گذار در توصیف قواعد راجع به حمایت از مصرف کننده و مسئولیت ناشی از نقض این قواعد به عنوان بخشی از حقوق عمومی یا خصوصی ایجاد ابهام می‌کند. به صورت کلی این قوانین همزمان اهداف و کارکردهای متعددی اعم از عمومی و خصوصی را دنبال می‌نمایند. الزام به رعایت قواعد امنیت با ایجاد ضمانت

۱. تاکنون در اتحادیه اروپا مصوبات متعددی در رابطه با حمایت از مصرف کننده به تصویب رسیده است که شماری از آنها در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

the Directive 93/13/EEC of the Council of April, 5, 1993 on unfair terms in consumer contracts (OJ EC No. L 95 of 21.4.1993, p. 29) & the Directive 97/7/EC of the European Parliament and of the Council of 20 May 1997 on the protection of consumers in respect of distance contracts (OJ EC No. L 144 of 4.6.1997, p. 19) & the Directive 1999/44/EC of the European Parliament and of the Council of 25 May 1999 on certain aspects of the sale of consumer goods and associated guarantees (OJ EC No. L 171 of 7.7.1999, p. 12) & the Directive 2008/48/EC of the European Parliament and of the Council of 23 April 2008 on credit agreements for consumers and repealing Council Directive 87/102/EEC (OJ EC No. L 133 of 22.5.2008, p. 66)

اجراهای حقوقی، جبران خسارات زیان دیده، جبران خسارات مؤسساتی که حمایت‌های بیمه‌ای و سلامت ارائه می‌دهند و تخصیص درست ریسک‌های زندگی اجتماعی و الزام تولیدکننده به کاهش ریسک‌های شدید از جمله این اهداف هستند. اگر این قواعد در محدوده حقوق خصوصی قرار گیرند، علی‌القاعده توافق طرفین بر قواعد مقرر در قوانین مربوطه چیرگی خواهد داشت. در مقابل اگر این قواعد را در زمره حقوق عمومی تلقی نمائیم، تعارضی بوجود نخواهد آمد و هر کشوری حکم به حکومت قواعد عمومی کشور خود خواهد داد. اما آنچه به نظر می‌رسد هیچ یک از این دو گرایش به صورت مطلق صحیح نباشد. مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید چه بر مبنای قرارداد و چه مسئولیت مدنی، یک رابطه خصوصی است که البته کاملاً آغشته با نظارت قواعد حقوق عمومی است. طرفین آزاد نیستند هر گونه که بخواهند رابطه خود را سازمان دهند، بلکه توافق آنها محصور در قواعد، امری مورد تصویب قانون‌گذار است. بر این اساس در مقام انتخاب قانون بایستی دو چهرگی مسئولیت ناشی از عیب تولید مورد توجه قرار گیرد. بایستی قواعد راجع به مسئولیت، مانند وضع قاعده مسئولیت محض و قواعد دیگر حمایتی مانند رعایت استانداردهای اجباری را از هم جدا کرد. آنچه بطور مستقیم راجع به خود مسئولیت است تحت قواعد انتخاب قانون در مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد و آنچه در دایره حقوق عمومی قرار دارد از دایره انتخاب قانون خارج می‌گردد. اما این تفکیک قابلیت عملی شدن حداقل در مقام رسیدگی به دعوی را ندارد. این دو دسته آنچنان به هم پیوسته‌اند، که هر گونه تقسیمی به هنگام انتخاب قانون، قاضی را از رسیدن به عدالت باز می‌دارد. این قواعد در یک نظام منسجم و به عنوان کل مورد تصویب قرار گرفته‌اند و تفکیک آنها نمی‌تواند اهداف مقرر برای هر یک را به طور کامل محقق سازد. با این حال شاید تقسیم قواعد به دو نظام قواعد جبرانی و تنظیمی از ابهام مسئله بکاهد. گروهی مسئولیت ناشی از عیب تولید را در مجموعه قواعد توزیع خسارت (Loss Distribution) می‌دانند و گروه دیگر در مقابل آن را در زمره قواعد تنظیم رفتار (Conduct Regulating) محسوب می‌کنند (Weinberg, 2005: 44) رویکرد گروه دوم بدین واسطه است که نباید نقش بازدارندگی حقوقی را در عرضه کالای معیوب در رابطه با سیاست‌های حمایت از مصرف‌کننده فراموش کرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۸)

بند دوم- رعایت شروط استاندارد

در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا تولید و عرضه بسیاری از کالاها تحت قواعد استاندارد^۱

۱. رک: تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

اجباری قرار می‌گیرند. گرچه در دعاوی داخلی نیز این سؤال وجود دارد که رعایت شروط استاندارد تا چه حد بر وجود و یا اثبات مسئولیت تولیدکننده تاثیر دارد، اما طرح این مسئله در دعاوی بین‌المللی با پیچیدگی‌های بیشتری همراه است زیرا این امکان همواره وجود دارد که کشور میزبان استانداردهای مراقبتی کمتری به نسبت کشور مبدا در رابطه با تولیدکنندگان یا ارائه‌کنندگان خدمات در خصوص کالا یا خدمات وضع نموده باشد (Cafaggi, 2006, p.123). این مسئله به خصوص در رابطه با تفاوت نظام‌های حقوقی در پذیرش یا عدم پذیرش رعایت استاندارد به عنوان یک دفاع مورد قبول در دعاوی مسئولیت مدنی بیشتر ظهور می‌نماید. از سوی دیگر حداقل‌هایی که برای صدور و تجویز استاندارد در کشورهای مختلف وجود دارد نیز متفاوت است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۳۳).^۱

این مطلب که استاندارد کدام کشور باید مورد توجه قرار گیرد امر شایان توجهی است. آیا مقصود از استاندارد، کشوری است که بر اساس قواعد تعارض قوانین در مسئولیت مدنی به عنوان قانون حاکم شناخته شده، یا قانون کشوری که اقدام به تولید در آن صورت پذیرفته و یا استانداردهای کشور مقرر دادگاه مورد نظر است. اگر استاندارد را در زمره قواعد راجع به تشخیص تقصیر یا عدم تقصیر بدانیم، علی‌الاصول گستره قانون حاکم آن را نیز پوشش می‌دهد، اما اگر آن را در زمره قواعد تنظیم رفتار بدانیم قانون محل اقدام، بر هر قانون دیگری اولویت دارد. با این حال اگر دادگاه یک تفسیر مبتنی بر حقوق عمومی از استانداردها داشته باشد، نمی‌تواند بپذیرد که قانون دیگری غیر از قانون مقرر دادگاه بر این مسئله حاکم باشد. اگر باور داشته باشیم تا حد اکثر امکان از توصیف قواعد به عنوان حقوق عمومی حداقل در مواردی که یک رابطه فرعی با دعوی خصوصی دارند بکاهیم، تفسیر سوم از مسئله پاک می‌شود، خصوصاً اینکه روشن نیست چرا قانون کشوری که بنا به اقتضائاتی غیر از ماهیت دعوی، مانند اقامتگاه خواننده و یا محل دارایی‌های وی، به عنوان مقرر دادگاه انتخاب شده است، باید بر موضوع حاکم گردد. علاوه بر این تولیدکننده نمی‌تواند به این بهانه که استانداردهای کشور خود را رعایت نموده است، ادعای رعایت استاندارد در کشور دیگری را نماید که کالای خود را به آنجا ارسال داشته است. بر این اساس بایستی قانون حاکم بر دعوی، که با توجه به جنبه حمایتی از مصرف‌کننده اغلب همان قانون اقامتگاه مصرف‌کننده می‌باشد، مسئله رعایت یا عدم رعایت

۱. این مسئله به خصوص با مدنظر قراردادن تجارت آزاد کالاها و خدمات چه در سطح بین‌المللی و چه در درون اتحادیه‌های منطقه‌ای، مانند اتحادیه اروپا، قابل توجه است

این استانداردها را پوشش دهد، گرچه قاضی باید استانداردهای جاری در کشور محل فعالیت را به خصوص در مواردی که شرایط سخت‌تری به نسبت کشوری که قانونش بر دعوی حاکم است، دارد را مورد توجه قرار دهد.

مبحث سوم- بررسی تطبیقی قاعده حل تعارض مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید
پس از بررسی چالش‌های موجود در نظام تعارض قوانین مسئولیت مدنی و اقتضائاتی که تعیین قانون حاکم مستلزم توجه به آنها می‌باشد لازم است تا رویه نظام‌های حقوقی مختلف در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد.

بند اول - نظام حقوقی آمریکا

نظام تعارض قوانین آمریکا در تعیین قانون حاکم قواعد یکسانی را در رابطه با دعاوی که مربوط به انتخاب قانون حاکم از میان ایالات مختلف است و نیز دعاوی که مربوط به انتخاب قانون حاکم از میان کشورهای مختلف است اعمال می‌نماید. اعلامیه دوم تعارض قوانین آمریکا^۱ قاعده مشخصی را در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید مقرر نکرده، اما قواعد و اصول کلی که در رابطه با تعارض قوانین در ماده ۶ به صورت کلی و ماده ۱۴۵ در رابطه با مسئولیت مدنی مطرح ساخته است به صورت راهنما در دعاوی مرتبط با این حوزه نیز قابلیت اجرا دارند. رویه قضایی آمریکا به تبیین این قواعد در گذر زمان پرداخته است. نویسندگانی که به تحلیل آراء اقدام می‌ورزند اعلام داشته‌اند بررسی دعاوی مطرحه در نظام حقوقی آمریکا بیان‌گر این است که در ۷۹٪ مواردی که تحصیل کالا و اقامتگاه زیان دیده و محل وقوع خسارت یکسان بوده، دادگاه قانون همان ایالت را اعمال نموده است، صرف‌نظر از اینکه حمایت از تولید کننده یا مصرف کننده قانون توجه دادگاه قرار گیرد. علاوه بر آن به صورت معمول هیچ رویکرد غالب افراطی در حمایت از مصرف کننده در تعیین قانون حاکم وجود ندارد، ضمن اینکه قانون مقرر دادگاه نیز به صورت اساسی بر سایر قوانین اولویت نیافته است.^۲ بر این اساس ذکر چند نمونه جدید از رویه دادگاه‌های آمریکا^۳ در تعیین قانون حاکم بر

1. Restatement of the Law Second Conflict of Laws 2d of 1969

۲. برای بررسی بیشتر رک:

Symeon C. Symeonides Choice of Law for Products Liability: The 1990s and Beyond (Tulane Law Review, Vol. 78, No. 1247, 2004

۳. برای بررسی تحلیلی موضوع در نظام قضایی آمریکا رک:

Product liability and the choice of law, (1965) 78 harv. L.R. 1452; Weintraub, choice of

مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید می‌تواند برای تحلیل مسئله مفید باشد. در دعوی *Abad v. Bayer Corp* در سال ۲۰۰۹ گرچه موضوع تصمیم تعیین دادگاه صالح بود، اما از آنجا که معیار محل وقوع خسارت، مدنظر قرار گرفت می‌تواند در تعیین قانون حاکم نیز به عنوان نمونه قابل توجهی تلقی گردد. این دعوی مربوط به یک تبعه آرژانتینی بود که اقدام به خرید داروی شرکت آمریکایی در آرژانتین کرده بود. فرد مذکور دارو را در کشور خود مصرف نموده و در نتیجه دچار بیماری هپاتیت سی شده بود. خواهان اعتقاد داشت، چون خواننده شرکت آمریکایی است دعوی بایستی در آمریکا اقامه شود در حالی که خواننده معتقد بود چون خسارت در آرژانتین واقع شده دعوی بایستی در آنجا اقامه شود. دادگاه اقامه دعوی در آمریکا را رد کرد. دادگاه این عقیده را اظهار داشت که:

"در نبود شرایطی خاص، اولویت در اعمال معیار مهم‌ترین عامل ارتباط جایی که خسارت واقع شده، است؛ زیرا این محل جایی است که بیشترین نفع را در ایجاد یک تعادل معقول و متعارف میان امنیت، هزینه، و سایر عوامل مرتبط با طراحی و اداره سیستم مسئولیت مدنی دارد. این مسئله به طور خاص موقعی که محل وقوع عمل زیان بار همان مکانی است که زیان دیده خسارت دیده و در آن ساکن است، صحیح می‌باشد، زیرا تعادلی را با این اصل که دادگاه محل اقامت خواننده نفعی در سازمان دهی رفتار شرکت‌ها و اتباع خود دارد، ایجاد می‌نماید. اقامتگاه خواننده و خواهان یک اعتبار مساوی دارند. موقعی که آنها به دو صلاحیت جداگانه اشاره دارند، همدیگر را از بین می‌برند و جایی که خسارت در آنجا واقع شده است به عنوان منبع اصلی تعیین قانون حاکم شناخته می‌شود."

دعوی *Bagnell v. Ford Motor C*^۲، مربوط به یک ون ساخت کارخانه فورد که در ایالت تگزاس موجب خسارت به پنج مسافر جورجیایی گردیده بود، نیز دادگاه قانون محل وقوع خسارت را اعمال نمود. دادگاه جورجیا بر اساس این قاعده قانون ماهوی ایالت تگزاس را در دعوی مسئولیت ناشی از عیب تولید علیه کارخانه فورد اعمال نمود. دعوی بر اساس قانون مرور زمان ۱۵ ساله تگزاس قابل استماع بود، اما بر اساس قانون ۱۰ ساله جورجیا مشمول مرور زمان می‌گردید. به هر حال بر اساس رویه قضایی ایالت جورجیا که قانون جورجیا را به عنوان قانون شکلی برای اهداف عطف به ماسبق شدن اعمال می‌نمود، دادگاه اظهار داشت که قاعده مرور

law for product liability: the impact of uniform commercial code and recent developments in conflicts analysis, (1966) 44Texas L.R. 1429

1. *Abad v. Bayer Corp.*, 563. F.3d 663 (7th Cir. 2009)

2. *Bagnell v. Ford Motor Co.*, 297 Ga.App. 835, 836 (1) (678 S.E.2d 489) (2009)

زمان یک قاعده شکلی است و بر این اساس دعوی را غیر قابل استماع دانست. با این حال دادگاه برای رها کردن خود از این استدلال مکانیکی اعلام داشت این قاعده در رابطه با دعوی عدم دادن آگاهی، (Failure-to Warn) جاری نیست و پرونده را برای رسیدگی به دادگاه بدوی ارجاع نمود.

بند دوم-کنوانسیون‌های بین‌المللی

در خصوص مسئولیت ناشی از عیب تولید کنوانسیون سال ۱۹۷۳ لاهه^۱ میان بعضی کشورها به تصویب رسیده^۲ و در اول اکتبر ۱۹۷۷ اجرایی شده است. کنوانسیون لاهه در رابطه با قانون حاکم در مسئولیت ناشی از عیب تولید میان مسئولیت قراردادی و مدنی در این حوزه تفکیک قائل شده است و دایره اعمال خود را محدود به مواردی نموده که هیچ رابطه قراردادی میان طرفین وجود ندارد. پاراگراف دوم ماده ۱ این کنوانسیون اشاره دارد:

"در مواردی که مالکیت، یا حق استفاده، از کالا بوسیله شخصی که خواننده دعوی قرار داده شده به زیان دیده منتقل گردد، کنوانسیون به خودی خود در رابطه با مسئولیت آنها اعمال نمی‌گردد." سپس این کنوانسیون در تعیین قانون حاکم در ماده ۴ اشاره دارد: "قانون حاکم در این رابطه، قانون کشوری خواهد بود که خسارت در آنجا وارد شده است مشروط بر اینکه علاوه بر آن، قانون کشوری باشد که زیان دیده مستقیم خسارت در آنجا سکونت دائمی دارد و یا مرکز اصلی شرکت مسئول واقعه باشد و یا جایی بوده که کالا در آنجا توسط شخصی که مستقیماً زیان دیده، تحصیل شده است."^۳

ماده ۵ کنوانسیون نیز اشاره دارد:

"علیرغم حکم مقرر در ماده ۴، قانون حاکم بایستی قانون کشوری باشد که زیان دیده مستقیم در آنجا سکونت دائمی دارد، مشروط بر اینکه کشور، مرکز اصلی شرکتی باشد که مسئول واقعه است و یا جایی باشد که کالا در آن تحصیل شده است."

ماده ۶ این کنوانسیون نیز مقرر می‌دارد:

1. Convention on The Law Applicable to Products Liability(Concluded 2 October 1973)

۲. برای دیدن این کنوانسیون می‌توانید به این سایت مراجعه کنید:

<http://www.hcch.net/e/Conventions/text22e.html>(Convention # 22

3. The applicable law shall be the internal law of the State of the place of injury, if that State is also –

- a) the place of the habitual residence of the person directly suffering damage, or
- b) the principal place of business of the person claimed to be liable, or
- c) the place where the product was acquired by the person directly suffering damage.

"در موقعی که هیچ یک از دو قانونی که بر اساس مواد ۴ و ۵ بعنوان قانون حاکم شناخته شده‌اند، قابل اعمال نیستند، قانون حاکم قانون کشوری است که مرکز اصلی شرکت مسئول حادثه در آنجا بوده است مگر اینکه خواهان دعوی خود را مبتنی بر قانون کشور محل وقوع خسارت قرار داده باشد. ماده ۷ کنوانسیون نیز بیان می‌دارد: هیچ یک از دو قانون محل وقوع خسارت و قانون محل سکونت دائمی شخص زیان دیده بر اساس مواد ۴، ۵ و ۶ بر دعوی حاکم نخواهد بود اگر شخص مسئول حادثه ثابت نماید که وی نمی‌توانسته است به طور متعارف پیش بینی نماید که کالا یا کالاهایی از جنس مشابه در آن کشورها از طریق کانال تجاری قابل دسترس هستند."

آیین نامه رم دو نیز به مسئولیت ناشی از عیب کالا پرداخته، در بند ۱۹ مقدمه آئین نامه رم دو اشاره شده است:

"لازم است در رابطه با مسئولیت‌های خاص در مواردی که قواعد عمومی نمی‌توانند یک تعادل متعارف و معقول میان منافع درگیر ایجاد نماید، قواعد تعارض قوانین خاصی تدوین شود. در همین راستا بند ۲۰ مقدمه بیان می‌دارد: قواعد تعارض قوانین در مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید بایستی با اهداف توزیع عادلانه ریسک ذاتی جامعه پیشرفته امروزی، حمایت از سلامتی مصرف کنندگان، ترغیب و تشویق ابتکار و نوآوری، تضمین رقابت سالم و پایدار و تسهیل تجارت منطبق باشد. ایجاد یک سیستم آشناری از عوامل ارتباط همراه با شرط قابلیت پیش بینی یک راه حل متعادل برای دستیابی به این اهداف است. اولین عنصری که باید مورد توجه واقع شود قانون کشوری است که زیان دیده به هنگام ورود خسارت در آن سکونت دائمی داشته است، مشروط بر اینکه کالا برای تولید در آن کشور عرضه شده باشد. عناصر دیگر هنگامی مدنظر قرار می‌گیرند که کالا در آن کشور بازاریابی و عرضه نشده باشد بدون اینکه این مسئله تأثیر منفی بر بند ۲ ماده ۴ و امکان اعمال قانون کشوری که ارتباط بیشتری با دعوی دارد داشته باشد."

ماده ۵ آئین نامه رم دو، تحت عنوان مسئولیت ناشی از عیب تولید، قواعدی را بیان کرده است. بند یک این ماده بیان می‌دارد:

"بدون اینکه تأثیر منفی بر مفاد بند دو ماده چهار داشته باشد، قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی خسارات ناشی از عیب کالا: الف) قانون کشوری که در آن شخص زیان دیده در زمان وقوع خسارت سکونت دائمی داشته است مشروط بر اینکه کالا در آن کشور بازاریابی

شده باشد؛ و اگر این شرط محقق نباشد، ب) قانون کشوری که کالا در آن تحصیل شده است، مشروط بر اینکه کالا در آن کشور بازاریابی شده باشد؛ و در صورتی که این شرط محقق نباشد، ج) قانون کشوری که خسارت در آن واقع شده است، مشروط بر اینکه کالا در آن کشور بازاریابی شده باشد. در هر حال قانون حاکم قانون کشوری خواهد بود که شخص عامل زیان در آن سکونت دائمی داشته است، اگر وی نمی توانسته به صورت متعارف بازاریابی کالا، یا کالاهای مشابه، در کشوری که قانون آن بر اساس قسمت‌های اول، دوم و سوم این ماده بر دعوی حاکم می‌گردد را پیش بینی نماید.^۱

بند دوم این ماده نیز اشاره دارد:

"اگر از اوضاع و احوال دعوی روشن باشد که مسئولیت مدنی موضوع دعوی با کشور دیگری غیر از کشوری که در بند اول اشاره شد، ارتباط دارد، قانون این کشور بر دعوی حاکم خواهد بود. ارتباط نزدیک‌تر با کشور دیگر ممکن است مبتنی بر یک رابطه پیشینی میان طرفین باشد، مانند قراردادی که با مسئولیت مدنی مربوطه ارتباط نزدیک‌تری دارد."

در این مقررات محل تحصیل بازاریابی کالا یک عنصر تعیین کننده است، ضمن قائل به تفکیکی میان اینکه کالا توسط زیان دیده تحصیل شده باشد یا توسط شخص ثالث ایجاد نگردیده است. یک نظر این است که قاعده مقرر در آیین نامه رم دو همسو با سیاست‌های کشورهای توسعه یافته و به ضرر کشورهای در حال توسعه است. در صورتی که هدف، تعیین درست حق جبران خسارت باشد تا حدی این قاعده درست است، زیرا بالطبع خساراتی که فرد در یک کشور توسعه یافته می‌بیند بیش از خساراتی است که شهروند کشور در حال توسعه می‌بیند. اما اگر هدف از قواعد مسئولیت ناشی از عیب تولید بازرندگی تولید کننده از انتشار کالاهای غیر مطمئن است شاید مناسب باشد با که این قاعده مخالفت کرد.^۱

بند سوم - نظام حقوقی ایران

در ایران قانون یا رویه خاصی در این زمینه وجود ندارد با این حال دکتر کاتوزیان با تحلیل رابطه مربوطه بر اساس تفکیک قراردادی به پیشنهاد قواعد متفاوتی در رابطه با هر یک از این دو گروه می‌پردازند:

در موردی که رابطه زیان دیده و عامل زیان مبتنی بر یک قرارداد پیشینی است، دو راه حل

۱. برای یک بررسی تطبیقی در رابطه با قواعد مصوب و پیشنهادی قواعد تعارض قوانین مسئولیت ناشی از تولید رک: E. Scoles et al., Conflict of Laws, 934-41 (4th ed. 2004)

متفاوت قابل ارائه می‌باشد. طبق نظر مرسوم که مسئولیت ناشی از عهدشکنی در واقع بدل تعهد اصلی است بی گمان باید بر طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی قانون محل وقوع قرارداد را حاکم شمرد. در فرضی هم که قراردادهای مرتبط کننده متعدد هستند باید قراردادی را که پایه اصلی ارتباط است انتخاب نمود. دادگاه در این رابطه فرصت می‌یابد تا قانونی که بیشتر موافق مصلحت و عدالت است را انتخاب نماید. بر پایه نظر وحدت مسئولیت که در تعهدهای قراردادی نیز سبب بی واسطه ضمان را تقصیر ناشی از پیمان شکنی می‌داند و مسئولیت را به قرارداد نسبت نمی‌دهد عامل قرارداد از میان اسباب مسئولیت حذف می‌گردد و مهم‌ترین عامل، یا عهد شکنی است یا وقوع خسارت. نظر اول این حسن را دارد که قانون حاکم را بیشتر در زمره پیش‌بینی‌ها و انتظارات طرفین می‌آورد در حالی که تعیین محل وقوع عمل زیان بار یا خسارت ناشی از آن در اغلب موارد مشکل است. در فرضی که میان طرفین دعوی هیچ رابطه قراردادی وجود ندارد مانند مهمانی که به واسطه خرابی آسانسور واقع در ساختمانی آسیب می‌بیند مهم‌ترین یا آخرین عامل مسئولیت می‌تواند یکی از دو محل مورد انتخاب برای قانون حاکم باشد. به سخن دیگر قانون حاکم از میان قانون کشور محل وقوع تقصیر یا قانون کشور محل وقوع زیان انتخاب می‌گردد. در این فرض نیز اگر رویه قضایی حق انتخاب برای برگزیدن را داشته باشد، عدالت بهتر اجرا می‌گردد و پذیرش معیار مهم‌ترین عامل، ابزار بهتری در اختیار قاضی برای اجرای عدالت می‌گذارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۴) با این حال ارائه یک نظریه مکانیکی در این رابطه نمی‌تواند چندان با واقع منطبق باشد. در رابطه با تحلیل قراردادی، نکته حائز اهمیت آن است، همان‌طور که قواعد ماهوی در قراردادهای مصرف تحت سیطره کامل اصل حاکمیت اراده طرفین قرار ندارد، قواعد شکلی نیز نمی‌تواند علی‌الاطلاق به اراده آنها واگذار شود. رابطه حقوقی در قراردادهای مصرف یک رابطه نابرابر است، بر این اساس گریزی نیست جز اینکه حاکمیت نیز در مسیر توزیع عدالت وارد شده و ارتباطی پایدار و منصفانه را میان این دو ایجاد نماید. در حقوق ماهوی قراردادهای مصرف، اصل حمایت از مصرف‌کننده به عنوان یک اصل مبنایی مورد اشاره قرار گرفته، لیکن شدت و حدت این اصل در سطح وسیعی وابسته به سطح توسعه کشورهای مختلف است. در کشور ما در وضعیت کنونی به همان اندازه که مصرف‌کنندگان شایسته احترام و حمایت هستند، دست‌اندرکاران تولید نیز نیازمند حمایت و پشتیبانی می‌باشند و نیاز دارند حداقل انتظارات مشروع آنها در طراحی روابط حقوقی شان با جامعه محترم شمرده شود. بر این اساس تلفیقی از اصل کلی تعارض قوانین مسئولیت

مدنی در قالب اعمال قاعده قانون کشور محل وقوع خسارت و نیز اصل حمایت از مصرف کننده و احترام به انتظارات فروشنده در توزیع محصولات در بازارهای مختلف می‌تواند رویکرد مناسبی باشد. هرچند نظام کنونی تعارض قوانین آمادگی ورود رویکردهای جهت‌دار مانند تحلیل منافع را ندارد، لیکن منصفانه خواهد بود تا این رویکردهای در قالب اعمال قواعد شکلی تعارض قوانین و در تحلیل و اعمال آنها مدنظر قرار گیرند.

نتیجه

گسترش ارتباطات در جهان کنونی موجب کمرنگ شدن مرزها و حرکت آزاد انسان‌ها و توزیع گسترده کالاها و خدمات در سطح جهانی شده است. این امر احتمال پدید آمدن وضعیت‌های حقوقی را افزایش داده، از جمله این وضعیت‌ها، رابطه مبتنی بر مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا است. در این وضعیت که دعوی مربوطه با نظام‌های حقوقی مختلف ارتباط پیدا می‌نماید، سوال مربوط به قانون حاکم با توجه به تفاوت قوانین مربوطه در این حوزه از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای حل این مشکل در نظام‌های حقوقی مختلف تحت قاعده تعیین قانون حاکم در دسته ارتباط مسئولیت مدنی به صورت عام و یا دسته ارتباط مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا به صورت خاص قواعدی مدون شده است. از جمله در نظام حقوقی آمریکا با تکیه بر قاعده ارتباط نزدیک‌تر بر اساس اعلامیه دوم تعارض قوانین و در اروپا بر اساس ماده ۵ آیین نامه رم دو، در رابطه با قانون حاکم در مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا رویکرد تعیین قانون حاکم تا حدی روشن شده است. با این حال در نظام حقوقی ایران قواعد مشخصی چه در رابطه با تعارض قوانین در نظام کلی مسئولیت مدنی و چه در مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید به صورت خاص وجود ندارد. بر این اساس مناسب خواهد بود تا با توجه به افزایش دعاوی اختلاف راجع به مسئولیت مدنی قواعد مشخصی در این رابطه تدوین گردد. توصیه این نیست تا نمونه‌های موجود در سایر نظام‌های حقوقی بدون کم و کاست مورد استفاده قرار گیرد اما ملاحظه این نمونه‌ها به عنوان الگوهای برای شناخت بهتر وضعیت نظام تعارض قوانین در سطح بین‌المللی می‌تواند مفید باشد. علاوه بر آن بایستی توجه شود که نظام تعارض قوانین، یک نظام بدون جهت و بدون سمت نیست که صرفاً بر یک سری قواعد شکلی تحت عنوان عامل ارتباط متکی باشد، بلکه منافع کلی و عمومی و ملاحظات مرتبط با سیاست کلی حقوقی نیز بایستی در این رابطه مدنظر قرار گیرد. بر این اساس در طرح‌ریزی قواعد

تعارض قوانین لازم است تا حد مکفی این اختیار در قالب قواعد متفاوت این حوزه به دادگاه داده شود تا به هنگامی که اعمال قاعده شکلی می‌تواند به نتایج ناعادلانه‌ای منجر شود، در لوای همان قواعد تعارض قوانین، عدالت ماهوی را نیز دنبال نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابراهیمی لاریمی، سید نصرالله، (۱۳۸۶)، «مسئولیت تولید کالای معیوب و حمایت از مصرف کنندگان» (تحلیل حقوقی در سه نظام حقوقی برتر دنیا، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی شماره ۵، صص از ۱۳ تا ۵۴).
- بزرگمهر، داود، (۱۳۸۵)، «مسئولیت مدنی تولید کنندگان کالا»، حقوقی دادگستری، شماره ۵۴ از ۳۷ تا ۵۸.
- بهرنگی نیا، ناصر، (۱۳۸۵)، «جهانی شدن اقتصاد و ساز و کارهای بین‌المللی اقتصاد بررسی‌های بازرگانی - شماره ۱۷، صص از ۵۸ تا ۶۸».
- بهفر، ملیحه، (۱۳۸۸)، «حقوق رقابت و حقوق حمایت از مصرف کننده»، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۳۳، صص از ۴ تا ۶
- رهنمون، رئوف - شیخ الاسلامی، (۱۳۹۰)، «حمایت از حقوق مصرف کننده و قلمرو آن در فقه شافعیان و امامیه: اسعد فقه و مبانی حقوق اسلامی» (مقالات و بررسیهای سابق) سال چهل و چهارم، شماره ۱) صص از ۷۷ تا ۹۸.
- زندی، محمد رضا قضاوت، (۱۳۹۱)، «حمایت کیفری از حقوق مصرف کننده در قانون تجارت الکترونیکی»، شماره ۷۵ صص - از ۴۱ تا ۴۲.
- صادقی مقدم، محمد حسن و اشراقی آرنای، مجتبی، (۱۳۹۱)، «ارکان مسئولیت ناشی از عیب تولید هواپیما، دیدگاه های حقوق قضایی»، سال هفدهم، دوره جدید، شماره ۵۹) - از ۱۴۵ تا ۱۷۲
- صادقی، محسن، (۱۳۸۶)، «مسئولیت ناشی از کالای معیوب: مطالعه تطبیقی در حقوق سوییس و ایران»، پژوهش‌نامه بازرگانی شماره ۴۴ از ۱۶۵ تا ۱۹۴.
- قاسمی حامد، عباس و خالدی دوبرجی، پیری، (۱۳۹۱)، «مسئولیت خسارت وارده به مصرف کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار»، سال دوازدهم، شماره دوم، صص از ۱۶۹ تا ۱۸۶.
- کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۸۴)، «(ب) حمایت از زیان دیده و مسئولیت تولید کننده در حقوق فرانسه»، شماره ۶۸، صص از ۱۷۹ تا ۱۹۸.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، «الف) مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران».

- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، *الزام‌های خارج از قرارداد*، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، «محدودیت‌های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف‌کننده حقوق» دوره ۳۸، شماره ۳ صص از ۳۲۷ تا ۳۴۵.

- Collins, Lawrence (1996) *Essays in international litigation and the conflict of laws*, By Oxford University Press.

- Dutson Stuart (1999) *Product Liability and Private International Law: Choice of Law in Tort in England* *The American Journal of Comparative Law* ol. 47, No. 1 (Winter, 1999), pp. 129-146

- Fischer, Hugo (1974) *The Convention on the Law Applicable to Products Liability*, *McGILL Law Journal*, vol. 20, 44-84

- Machin north, Peter (1993) *essays in private international law*, oxford university press, ISBN 0198258267

- O'hara, Erin Ann (2002) *Economics, Public Choice and the Perennial Conflict Of Laws*, [http:// papers.ssrn. com/abstract=293000](http://papers.ssrn.com/abstract=293000)

- Pribetic, Antonin I., *Bringing Locus Into Focus: A Choice-of-Law Methodology for CISG-based Concurrent Contract and Product Liability Claims. Review of the Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG) 2004-2005*, *Pace International Law Review*, ed., München: Sellier European Law Publishers, pp. 179-223, 2006 . Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=578566>

- REESE, WILLIS L. M. *The Hague Convention on the Law Applicable to Products Liability*, *The International Lawyer* Vol. 8, No. 3 (July 1974), pp. 606-617

- Simmonds, Kenneth R & Humphrey , John & Morris , Carlile (1978) *Contemporary problems in the conflict of laws*, BRILL

- Tebbens , Harry Duintjer (1979) *International product liability*, Brill publication.

- Tebbens, henricus duint jer, (1980) *international product liability*, Brill publication.

- Theal, Lawrence g (2001) *product liability*, Canada law book. ISBN 0888043473

- Weintraub, Russell J. (2000), *The Restatement Third of Conflict of Law s: An Idea Whose Time Has Not Come*, *Indiana Law Journal* [Vol. 75:679.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی